

● تجربه قیام ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا ●

● باقر صفوی - کانادا ●

"ARTURO - SANTA - COMEZ" استاد علوم سیاسی دانشگاهی مکزیک که با دقت جنبش‌های تاریخ معاصر مکزیک را مورد مطالعه فرار داده است می‌نویسد: «ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا مبارزه مسلحانه جدیدی را در امریکای لاتین به نمایش در آورد که با مبارزات مسلحانه فلبی در مکزیک و یا امریکای لاتین به کلی متفاوت است. تفاوت آن‌ها در عقاید و شیوه مبارزاتی است که از خود ارائه داده‌اند. مبارزات مسلحانه چریکی که توسط دو سازمان مختلف طی سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ سازماندهی شده و از حمایت دهقانان نیز بی‌بهره نبود، نتوانست آن‌طور که شایسته است پاسخگوی مبارزات میلیون‌ها دهقان مکزیک باشد. این هر دو جنبش توسط نظامیان به شدت در هم کوبیده شد.» (۱)

آنجا که به تاریخ مبارزاتی دهقانان و مردم مکزیک، مربوط می‌شود، حضور فعال میلیون‌ها دهقان در انقلاب ۱۹۱۰ «زاپاتا» و «پانچوویا» و حمایت دهقانان از جنبش‌های چریکی ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲، توانسته است تأثیرات بسزایی در سیاست‌های حزب حاکم داشته باشد. گرچه آنان نتوانستند طی این سال‌ها علی‌رغم جانفشانی‌ها به مطالبات و خواسته‌های پایه‌داری دست پیدا کنند. انقلاب اخیر مردم استان «چی‌آپاس» در اول ژانویه ۱۹۹۴ به رهبری ارتش آزادیبخش زاپاتیستا (EZLN) با تکیه بر این تجربه‌های تاریخی و برخوردار از حمایت میلیون‌ها دهقان و مردم بومی، در واقع راه جدید و تازه‌ای است که بنیاد آن در فترت‌ترین استان مکزیک و در میان هزاران دهقان و «مردم بومی مایا» پایه‌ریزی شد.

رهبران زاپاتیستا طی مصاحبه‌های خود با خبرنگاران جهان می‌گویند: «این حرکتی نیست که یک شبه آغاز شده باشد. ما حاصل ۵۰۰ سال مبارزه هستیم و سازماندهی مبارزات اخیر ده سال است که در جریان می‌باشد. ما تحت شرایط بسیار دشوار خودمان را مسلح کردیم و نتوانستیم برای اولین بار خواسته میلیون‌ها دهقان و مبارزات مردم بومی مکزیک را در یک طرف واحد علیه نظام دیکتاتوری حاکم سازماندهی نماییم.» (۲)

زاپاتیستا از یک سو خواهان گرفتن زمین و آزادی برای دهقانان بسیار فقیر مکزیک است، و از سوی دیگر خواسته‌ها و مطالبات میلیون‌ها مردم بومی مایا را، که طی ۵۰۰ سال گذشته مورد بدترین آزار و شکنجه‌های گوناگون قرار گرفته و قربانی سیاست‌های نژادپرستانه احزاب حاکم بودند، مطرح می‌کند. ادغام این دو مبارزه، «مبارزه طبقاتی» و «مبارزه مردم بومی مایا» (که حرف دل میلیون‌ها مردم زحمتکش مکزیک است) به مبارزات «ارتش زاپاتیستا» جنبه کاملاً مردمی و سراسری بخشیده است و شاید بی‌جهت نبوده است که نام «زاپاتا»، «قهرمان ملی مردم مکزیک» در راس این مبارزات قرار گرفته است. یکی دیگر از تجربه‌های مهم ارتش

زاپاتیستا امتناع و دوری شدید از رسم و سنتی که همه سازمان و مبارزه در یک فرد یا چند نفر خلاصه می‌شود. است. تجربیات چند روزه مبارزات زاپاتیستا نشان داد که رهبری آن جریان، یک رهبری جمعی است که تصمیمات برپایه شور و مشورت با مردم قرار دارد.

«زاپاتیستا» با نکیه بر تجربیات و انقلابات گذشته مکزیک، و با درس‌گیری از تجارب و درس‌های دیگر انقلابات امریکای لاتین مثل انقلاب سالوادور و انقلاب نیکاراگوآ، توانست سیاست بسیار دموکراتیکی را اتخاذ نماید. با نکیه بر این تجربیات بود که «زاپاتیستا» با استفاده از قانون اساسی مکزیک و با به رسمیت شناختن آن اعلام کرد: «دولت «کارلوس سالیسا» و «کوریتاری» یک دولت غیرقانونی است که با تقلب و تزوییر در انتخابات به مقام ریاست جمهوری رسیده است. بنابراین باید از او خلع بد شود و انتخابات دوباره بر اساس آزادی کامل برگزار شود.» «زاپاتیستا» از کارگران و اتحادیه‌های کارگری و از تمامی مردم فقیر مکزیک خواست که به حمایت از آن‌ها، علیه رئیس‌جمهور و حزب حاکم به پا خیزند. به دنبال این دعوت هزاران نفر از مردم در خیابان‌های مکزیک و دیگر شهرهای مکزیک با شرکت در تظاهرات خیابانی علیه نظام دیکتاتوری حاکم شعار دادند و خواهان انتخابات کاملاً آزاد و بدون تقلب شدند. در اوائل ماه آوریل صدها هزار نفر از مردم مکزیک شامل دهقانان و مردم بومی و اقشار مختلف، در خیابان‌های مکزیک پیاده‌روی نمودند و با شعار زاپانام، در زاپاتیستا زنده است، دفاع و حمایت خود را از «ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا» اعلام کردند.

نکته دیگر این است که «زاپاتیستا» به لحاظ جغرافیایی و انتخاب محل برای شروع مبارزه مسلحانه خود بسیار موفقیت‌آمیز عمل نمود. طی انقلابات معاصر در مکزیک سازمان‌هایی که مبارزات مسلحانه دفاعی را هدایت کردند نتوانسته بودند به این گستردگی عمل نمایند. «زاپاتیستا» با انتخاب زمان و موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب توانست شهرهای مهمی را به تصرف خود در آورد. در روزهای اول قیام شهرهای «سن کریستوبال» با جمعیتی حدود ۸۰۰۰۰ و «اوکازینگو» حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر به تصرف جنگجویان و دهقانان استان چی‌آپاس درآمد. زاپاتیستا طوری سازماندهی شده بود که در فرصت اولیه قیام مسلحانه خود، توانست مراکز بسیار مهم نظامی و اقتصادی استان «چی‌آپاس» را به تصرف خود درآورد و حتی از آن فراتر وسعت حملات خود را توسط گروه‌های چریکی تا اطراف پایتخت مکزیک که حدوداً ۱۳۰۰ کیلومتر تا استان چی‌آپاس فاصله دارد، کشاند. زاپاتیستا طی عملیات چریکی در دو شهر عمده نزدیک شهر مکزیکو، پایتخت مکزیک دو دکل برفی فشار قوی به قدرت ۴۰۰۰۰۰ ولت را با دینامیت منفجر نمود. «سالوادور کاستینادا»، که خود یک چریک سابق است و در مبارزات مردم امریکای لاتین شرکت جسته بود و هم‌اکنون به کار نویسندگی اوانه می‌دهد، اشاره می‌کند: «زاپاتیستا نشان داد که درک عمیقی از مبارزات توده‌ای دارد. شیوه‌ای که آنان در سازماندهی مردم بومی مایا و دهقانان فقیر مکزیک به کار گرفتند حاکی از آن است که آنان از مهارت‌های خاصی برخوردار هستند. به‌طور خلاصه بگویم آنان از تجربه و لیاقت زیادی هم در عرصه سیاست و هم مبارزه مسلحانه چریکی برخوردار هستند.» (۳)

یکی دیگر از درس های قیام زابانستا این بود که آن‌ها توانستند حمایت بسیاری از دیگر اقوام بومی و اوله مکزیک که از سرنوشتی شبیه اقوام مایا برخوردار هستند را به خود جلب نمایند. مکزیک سرزمینی است که اقوام گوناگونی از مردم بومی در آن جا زندگی می‌کنند این اقوام طی سالیان دراز و همزمان با ورود اروپائیان به خاک مکزیک متحمل رنج‌ها و سختی های زیادی شده‌اند بسیاری از آنان توسط حکومت‌های مستبد و دیکتاتور، جان و زندگی و فرهنگ و تاریخ و زبان خود را از دست داده‌اند. تحت حاکمیت ۶۵ ساله حزب نهاد انقلابی (PRI)، زندگی این اقوام بومی مکزیک هم‌چنان دستخوش تهاجم بوده است. بخش‌های وسیعی از زمین‌های کشاورزی این مردم توسط کمپانی‌های بزرگ امریکایی و مکزیکی که در جستجوی معادن هستند به نابودی کشیده شده‌اند. جنگل‌ها، جایی که خانه و کاشانه میلیون‌ها مردم بومی است توسط همین کمپانی‌های بزرگ مورد تخریب واقع شده‌اند در نتیجه امروز مردم بومی مکزیک جزء فقیرترین و بیچاره‌ترین بخش‌های مردم مکزیک هستند. مسبب این فقر و بیچارگی در درجه اول رژیم حاکم بر مکزیک و سپس کمپانی‌های بزرگ خارجی و بانک‌های جهانی می‌باشند. در آغاز سال ۱۹۹۲ بانک جهانی تحت شعار دفاع از پیشرفت توسعه در مکزیک، ۴۵ میلیون دلار در اختیار شرکت‌های چوب‌بری و حزب حاکم بر مکزیک گذاشته است. این پول‌ها همه در تخریب جنگل‌های استان دورانگو (DURANGO)، «چی‌واوا» جایی که خانه ۲۵۰۰۰۰ مردم بومی مکزیکی می‌باشد، به کار رفته است. (۴) به‌خاطر همین است که امروز در آستانه به‌اجراء در آمدن قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی (NAFTA) مردم بومی مکزیک دیگر حاضر نیستند که سکوت کنند. آنان به‌دستی از مبارزان و جنگجویان زابانستا در قیام اخیر حمایت نمودند و مبارزات دهقانان و مردم بومی چی‌واوا علیه نظام حاکم بر مکزیک، مبارزه خود قلمداد می‌کنند. آثار با نوشتن نامه‌های حمایت و پشتیبانی و شرکت در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها، پشتیبانی خود را از اقدام زابانستا اعلام نمودند. شورای مرکزی سه قوم عمده مکزیک به نام «شورای ۵۰۰ سال مبارزه و مقاومت مردم بومی» با نوشتن حمایت نامه‌ای شعرگونه به دفاع از مبارزان و جنگجویان زابانستا برخاستند: «... به‌نام مادر بزرگان و پدر بزرگان و نسل‌هایی که طی تاریخ مبارزات ما قتل عم شدند. به‌نام کوه‌های سر به فلک کشیده و مقدس، به‌نام رودخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی‌مان، به‌نام تمام خون‌ها و ارواح مقدس زنان و مردان تاریخ‌مان. به‌نام کسانی که برای به‌دست آوردن زمین و آزادی همیشه مبارزه کردند... به‌نام شرم، شرم از تحمل آنچه رنج و بدبختی و مرگ که سال‌هاست سنگینی آنرا بر دوش‌هایمان می‌کنیم. به‌نام پیرندگان و پروانه‌هایی که هم‌بازی فرزندان خرمال ما هستند، به‌نام مبارزانمان و امیدهایمان برای ساختن جامعه‌ای براساس عدالت، مساوات و جامعه‌ای انسانی‌تر و دموکراتیک‌تر که براساس تحمل عقید دیگران بنا شده باشد... ما امروز خوشحالیم که به شما مردم بومی قیام‌کننده استان چی‌واوا و همه مردم دنیا بگوئیم ما مبارزات شجاعانه و مسلحانه شما را که در مقابل مرگ فرار گرفتید تا زندگی و حیات را برای مردم بومی و غیر بومی مکزیک به

ارمغان بیاورید، به رسمیت می‌شناسیم و از آن حمایت می‌کنیم.» (۵)

کلام آخر این‌که، حزب حاکم، طی ۶۵ سال حکومت مستبدانه خود علی‌رغم وعده‌های گوناگون و شعار «مدریزه کردن مکزیک» نتوانست برای عموم مردم مکزیک شادی و زندگی بیاورند. کشور مکزیک امروزه تبدیل به کشوری شده است که عمیقاً دچار بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی می‌باشد. تحت شعار پیش به سوی «توسعه» بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های جهانی ثروت کلانی به دست آوردند و سرمایه‌های مردم مکزیک را به غارت بردند. ثروتمندان مکزیک ثروتمندتر شدند و فقرا فقیرتر. طبق یک آمار محافظه‌کارانه منتشره از جانب سازمان ملل بخش توسعه و عمران، هم‌اکنون بیش از ۲۵ میلیون نفر از مردم مکزیک زیر خط فقر زندگی می‌کنند. یعنی آنان بی‌بهره از امکانات اولیه زندگی مثل سواد و دانش، بهداشت، مسکن، غذای مناسب و... هستند. مردم زحمتکش و فقیر مکزیک و روشنفکرانی که علیه سیاست‌های نظام حاکم مبارزه می‌کنند، به‌درستی پی‌برده‌اند که وارد شدن به قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی یعنی اجازه دادن بیشتر به غارتگران و سرمایه‌داران داخلی و خارجی برای چپاول آن‌چه که هنوز به یغما نرفته است. در گذشته بارها مردم و دهقانان مکزیک ثابت کرده‌اند که آن‌ها جزء لاینفکی از زمین‌های کشاورزی خود هستند و در مقابل تصمیمات غیرانسانی و ظالمانه قد علم کردند. قیام زاپاتیستا در اول ژانویه ۱۹۹۴، ادامه مبارزات و مطالباتی است که از سال‌ها پیش به رهبری زاپاتا در مکزیک آغاز شده بود. مبارزه‌ای برای زمین، آزادی، عدالت اجتماعی و مساوات و صلح و شادی و...

قیام زاپاتیستا و دهقانان جنوب مکزیک و گسترده‌تر شدن آن در سراسر خاک مکزیک، به‌درستی نشان داد که این قیام علی‌رغم ادعاهای رئیس‌جمهور «سالیناس» و نویسنده محافظه‌کاری نظیر «اوتتاویو پاز»، حرکت عده‌ای تروریست و یا ورشکستگان سیاسی نبوده است. هر روزی که از اول ژانویه ۱۹۹۴، می‌گذرد دام مبارزات زاپاتیستا گسترده‌تر می‌شود و مردم بیشتری به حمایت از آن برمی‌خیزند. این خیزش عمومی به سیاستمداران محافظه‌کاری که به دفاع از «بهشت برین سیستم سرمایه» سینه چاک می‌دهند نشان داد که مردم به ستوه آمده و زحمتکش از سیستمی که زندگی و هستی و آینده‌شان را چنین به مخاطره انداخته است شدیداً متنفر و بیزار هستند.

زاپاتیستا، به‌همراه میلیون‌ها دهقان فقیر مکزیک و میلیون‌ها مردم بومی این کشور آینده را در شکل‌گیری دیگری می‌بیند. آن‌ها می‌گویند ما برای سوسیالیسم، زمین، آزادی، استقلال، مسکن و بهداشت، عدالت و صلح مبارزه می‌کنیم. مبارزه‌ای که اگر به سرانجام برسد دشمنان مردم و بشریت دچار نرسه مهلکی خواهند شد که بی‌شک در پی آن امید و تحریر و زندگی تازه‌ای در مقابل چشمان میلیون‌ها مردم زجر کشیده مکزیک پدید می‌آید. ■

پانوش‌ها:

۱. هفته‌نامه American conexions Latia ماه مارس و آوریل ۱۹۹۴، مصاحبه با یکی از رهبران زاپاتیستا ۲. همانجا.
۳. نقل از ماهنامه This Magazine سپتامبر ۱۹۹۲ شماره ۲۵. ۴. ماهنامه Cross roads مارس ۱۹۹۲ شماره ۳۹.
۵. منابع روزنامه قیام از روزنامه نیویورک تیمز و Globe and mail گرفته شده است.